

فرمول

قوانین جهانی موفقیت

آلبرت لزلو بارابسی

حامد رحمانیان

نشر نوین

فهرست

مقدمه	۷
فصل (۱) بارون سرخ و خلبان تک خال فراموش شده	۲۳
قانون اول	۴۱
فصل (۲) گراند اسلم و دیپلم‌های کالج	۴۳
فصل (۳) دستشویی دو میلیون دلاری	۵۹
قانون دوم	۷۹
فصل (۴) هر بطری چقدر می‌ارزد؟	۸۱
فصل (۵) سوپرستارها و قوانین قدرت	۱۰۱
قانون سوم	۱۲۳
فصل (۶) بچه گربه‌های انفجاری و عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی	۱۲۵
فصل (۷) گوش شنونده	۱۴۹
قانون چهارم	۱۷۳
فصل (۸) کمی متداول، کمی خلاقانه و کمی محزون	۱۷۵
فصل (۹) الگوریتمی که یک دانشمند نادیده گرفته شده، آن را یافت ..	۱۹۵
قانون پنجم	۲۱۹
فصل (۱۰) خطای انیشتین	۲۲۱
نتیجه‌گیری	۲۴۳

بارون سرخ^۱ و خلبان تک خال^۲ فراموش شده

سال ۱۹۱۵، فرماندهان ارتش آلمان شکایتی را از یک سواره نظام جوان به نام مانفرد فون ریشتهوفن^۳ دریافت کردند. او نوشته بود: «من نیامده‌ام جنگ که پنیر و تخم‌مرغ جمع کنم. هدف من از آمدن به جنگ چیز دیگری است.» مانفرد از خانواده‌ی سرشناس پروس^۴ و فارغ‌التحصیل دانشکده نظامی و شیفته شکار بود. او دوست نداشت مادامی که در جنگ به سر می‌برد وقتش را در بخش تدارکات نظامی سپری کند، بلکه می‌خواست نبرد را ببیند. به هر ترتیب، یا به خاطر اشتیاق خودش یا خانواده اشرفی‌اش، خواسته وی را برآورده کردند و او به نیروی هوایی منتقل شد.

حق با او بود. اگر فون ریشتهوفن فقط تخم مرغ جمع می‌کرد، تلف می‌شد. او تنها پس از یک دوره آموزشی ۲۴ ساعته بود که اولین پرواز انفرادی‌اش را با هواپیمای دو باله آلباتروس^۵ شروع کرد. این هواپیما با کابینی روباز و چارچوب اسکلتی روی دو تایر نازک، طبق استانداردهای امروزی بسیار زواردررفته محسوب می‌شد. با این حال، پس از تنها گذشت یک ماه، فون ریشتهوفن در نبرد با هواپیماهای

1. Red Baron

۲. به خلبان نظامی گفته می‌شود که در نبردهای هوایی حداقل پنج هواپیمای دشمن را سرنگون کند.

3. Manfred von Richthofen

4. Prussian

5. Albatross

متفقی، شش هواپیما را نابود کرده بود. او بی‌باک بود و برخی اوقات روزی شش بار بر فراز مزارع فرانسه‌ی اشغالی که به خاطر جنگ سوخته بودند، پرواز می‌کرد و با حملات هوایی بی‌رحمانه بر سر خلبانان متفقیین یورش می‌برد. او فقط در آوریل ۱۹۱۷ بیست و دو هواپیما را ساقط کرد. به خاطر شکست سنگینی که متفقیین متحمل شدند، این ماه را در تاریخ هوانوردی، «آوریل خونین» نامگذاری کردند. فون ریشتهوفن طی سه سال خدمتش، هشتاد هواپیما را نابود کرد. طبق استانداردهای رسمی، این تعداد بیشتر از تمامی خلبانان تک‌خال در جنگ جهانی اول است.

فون ریشتهوفن همچنین کاری کرد که در دوره ما که میلیاردها دلار پول صرف این می‌شود که هواپیماها را از دید دشمن مخفی کنند، عجیب به نظر می‌رسد: او هواپیمای زنبوری‌اش را رنگ قرمز طعنه‌آمیز و تندی زد. رنگ هواپیمای او که مثل پیش بند آغشته به خون قصاب در آسمان پرواز می‌کرد، منشأ لقب مشهورش، «بارون سرخ»، شد. این لقب مظهر یک اشراف‌زاده پرمدا بود که به ازای هر هواپیمایی که ساقط کرده بود، جواهرساز درجه یکی در برلین، مدال حکاکی دست‌سازی برایش ساخته بود. پیش از آنکه در آلمان، که تحت فشار مشکلات جنگ قرار داشت، نقره نایاب شود، او شصت مدال جمع‌آوری کرد. فون ریشتهوفن جنگیدن را ادامه داد، اما جمع‌آوری مدال‌ها را متوقف کرد.

داستان بارون سرخ یک قرن بعد نیز به حیات خود ادامه داد؛ البته نه فقط در آلمان. داستان او، موضوع بیش از سی کتاب از جمله کتاب زندگی‌نامه خودش است که سال ۱۹۱۷ در بیمارستان صحرایی آن را نوشته بود. آن هنگام که دوره بهبودی جراحی سرش را می‌گذارد. او موضوع فیلم‌های هالیوودی، داستان‌های مصور و کتاب‌های کمیک بوده است. مستندهای فراوانی شاهکارهای هوایی‌اش را بازآفرینی و دستاوردهایش را با تقدیر و احترام تجزیه و تحلیل کرده‌اند. شهرت او از قفسه‌های کتابخانه‌های علاقه‌مندان به تاریخ جنگ تا راهروهای مابین یخچال‌های فروشگاه‌ها گسترش می‌یابد. اگر واقعا می‌خواهید فون ریشتهوفن بودن را تجربه کنید، می‌توانید همان‌طور که مشغول آموزش دیدن در شبیه‌ساز پرواز سه بعدی بارون سرخ هستید،

پیتزای یخ زده بارون سرخ را گاز بزنید. وی همچنین با بازی در نقش محبوب‌ترین سگ کارتونی دنیا شهرتی ابدی به دست آورد. نبرد انیمیشنی این کارتون با بارون سرخ در ذهن کودکان آمریکایی و در آهنگ معروف اسنویی علیه بارون سرخ^۱ از گروه موسیقی رویال گاردزمن^۲ نقش بسته است.

من که کودکی‌ام را در اروپای شرقی سپری کردم و در آنجا خبری از اسنویی نبود، نام بارون سرخ به گوشم نخورده بود تا اینکه به مقاله‌ای تحقیقی بر خوردم که سال ۲۰۰۳ در مجله‌ای تقریباً ناشناخته چاپ شده بود. این مقاله عملکرد خلبانان تک‌خال آلمانی در جنگ جهانی اول را بررسی کرده بود. خلبانی که پنج هواپیمای جنگنده یا بیشتر از آن را ساقط کرده بودند. همچنین عملکرد این خلبانان با عدد نشان دهنده‌ی تعداد کل پیروزی‌های آن‌ها، مشخص شده بود. فون ریشتهوفن با هشتاد پیروزی در صدر این فهرست قرار داشت. خلبانانی مثل هانس هلموت فون بودین با پنج پیروزی تقریباً آخر بودند.

هدف از تدوین سابقه دقیق عملکرد خلبانان این بود: نویسندگان این تحقیق به دنبال پی بردن به رابطه شهرت و عملکرد بودند. هرچند سنجش شهرت عموماً نسبت به عملکرد بسیار دشوارتر است. محققان نمی‌توانستند رتبه یا مدال‌هایی را که به این خلبانان اعطا شده بود را نتیجه‌ی دستاوردهای آن‌ها در نظر بگیرند؛ زیرا بیشتر آن‌ها زنده نماندند تا اتمام جنگ را ببینند.

بنابراین، راه‌حلی ساده اما هوشمندانه ارائه دادند. آن‌ها از نتایج گوگل استفاده کردند تا تعداد افرادی را که اسم این خلبانان را در اینترنت جست‌وجو کردند، بسنجند. نتایج گوگل به محققان کمک کرد تا برآورد کند دنیا چقدر هر خلبانی را تقریباً یک قرن بعد به یاد می‌آورد. اگر تک‌خال‌های آلمانی اسامی مشابهی نظیر رابرت هال، یکی از خلبانان متفقیین، داشته باشند، این برآورد دشوار خواهد بود زیرا رابرت

1. Snoopy vs. the Red Baron

2. Royal Guardsmen